

شبکه به مثابه تور

گفت و گو با محمدصادق افراسیابی
مدرس دانشگاه و پژوهشگر فضا مجازی

محمدحسین معینی

روابط اجتماعی در دنیای امروز به دو نیاز اساسی انسان اجتماعی پاسخ می‌دهد:

۱. نیاز به حمایت شدن در برابر حوادث پیش‌بینی نشده و ناملایمات زندگی؛

۲. نیاز به بازشناسی هویت انسانی در جایگاه یک عضو جامعه. تعداد بسیار زیاد گروه‌هایی که افراد می‌توانند با آن‌ها در رابطه و به آن‌ها وابسته باشند باعث شگفتی می‌شود. وابستگی انسان به خانواده پدری و مادری و خانواده‌ای که خودش تشکیل می‌دهد و از گذر آن به خانواده همسرش و سپس به گروه شغلی‌اش و گروه‌های دیگری از همکاران و گروه‌های اجتماعی، دایره‌هایی را نه درون هم بلکه در کنار هم قرار می‌دهد و فرد عضو هر یک از این گروه‌هاست که مستقل هم عمل می‌کنند. در این میانه، فرد از آزادی

انسان را موجودی اجتماعی نامیده‌اند؛ یعنی بر خلاف اشیا و حتی برخی موجودات زنده، انسان‌ها وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، اقدام به ایجاد «روابط» اجتماعی با یکدیگر می‌کنند. به بیان دیگر، بدون رابطه اجتماعی، جامعه‌ای شکل نمی‌گیرد. حالا همان‌طور که جوامع انسانی پیچیده‌تر شده‌اند، «روابط اجتماعی» هم گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است.

قرن‌ها پیش انسان‌ها به گروه‌های کوچک خانوادگی و محلی تعلق داشتند. وابستگی به خانواده یا قوم و قبیله، فرد را تماماً در خود جذب می‌کرد و این وابستگی از گروه کوچک به گروه بزرگ‌تر طبق مدل دوایر متحدالمرکز صورت می‌گرفت.

جامعه‌ها که امروزی شدند، همه شهروندان به جای مورد حمایت قرار گرفتن از طریق فامیل و قبیله از حمایت‌های

تأمین اجتماعی نظیر خدمات درمانی، حق بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی، بیمه بیکاری برخوردار شدند

و این‌گونه شد که هم‌زمان با استقلال

بیشتر افراد، وابستگی آن‌ها به

جامعه افزایش یافت.



عمل بیشتری برخوردار می‌شود اما هویت او می‌تواند چندلایه شود.

شکل ساده «شبکه» را در «تور» می‌بینیم که هرگره با ۴ رابطه به گره‌های اطرافش مرتبط شده است. در جامعه گره‌ها عبارت‌اند از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، منابع، و بین این گره‌ها روابط متعددی برقرار است.

مدرسه را با دانش‌آموزان، معلمان، اولیای دانش‌آموزان و کادر مدیریت در نظر بگیرید و در دل مدرسه، گروه‌های دانش‌آموزی، شورای دبیران، گروه‌های درسی، زیربخش‌های انجمن اولیا و مربیان و... رابطه‌هایی که بین این گره‌ها وجود دارد از قبیل ارائه محتوا، ارزیابی عملکرد، ارائه ایده جدید و تأمین منابع.

این نگاه جامعه‌شناختی به رابطه‌های اجتماعی را از سرژوگام، استاد جامعه‌شناسی در مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس و مدیر مجموعه رابطه اجتماعی در انتشارات دانشگاهی فرانسه، وام گرفته‌ایم که دکتر عبدالحسین نیک‌گره جامعه‌شناس و مترجم کتاب او را به‌عنوان «جامعه‌شناسی ارتباط اجتماعی» ترجمه و در سال ۹۵ توسط انتشارات هرمس چاپ و منتشر کرده است.

حالا که به پیچیدگی رابطه‌های اجتماعی در جوامع امروزی پی‌بردید بد نیست بدانید که رابطه‌های اجتماعی رو در رو و رابطه‌های موجود در فضای مجازی در دو دنیای رقیب با هم اتفاق نمی‌افتد بلکه همان رابطه‌های اجتماعی موجود در جوامع به کمک فناوری در فضای مجازی روی دیگری پیدا کرده است. در دنیای امروز، برنامه‌های تسهیل‌کننده ارتباط در شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی در اختیار فرد گذاشته‌اند تا بتواند حضور خود در دایره‌های متعدد را مدیریت کند و از رهگذر این حضور، هویت خود را بسازد. بازشناسی هویت امروزه از مشارکت در معادلات زندگی اجتماعی به بار می‌آید و افراد مجبور می‌شوند با کسب اعتبار شخصی که پیوسته در معرض نگاه ارزیابی‌کننده دیگران قرار دارد، به شکل پویایی از به رسمیت‌شناسی پایگاه اجتماعی و هویتشان مطمئن شوند و البته در برابر تهدیدها و حوادث پیش‌بینی نشده اطمینان داشته باشند که مورد حمایت قرار می‌گیرند.

«فرهنگ‌سازی» برای حضور در شبکه‌های اجتماعی جز از طریق مشارکت گسترده دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان و همراهی آموزش‌وپرورش امکان‌پذیر نیست

فناوری اطلاعات در خدمت شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی یا زیرساخت‌های دیجیتالی توانسته‌اند حضور پررنگ‌تری

در زندگی اجتماعی مردم داشته باشند. این شبکه‌ها در مشارکت با کاربران اطلاعاتی از آنان می‌گیرند و سپس امکاناتی را برای برقراری رابطه در اختیارشان می‌گذارند. شکل‌های معمول رابطه اجتماعی با ظهور فناوری‌های جدید به شکل ایمیل، ارسال متن، بلاگ، میکرو بلاگ (یا توئیتر)، تابلوی اعلانات، سایت‌های ارتباطی، سرگرمی و بازی معمولاً فناوری این امکانات را در اختیار شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهد:

۱. شخص بتواند فضایی برای ارائه خودش داشته باشد؛
۲. اطلاعات موردنظرش را در محدوده وسیع‌تری ارسال کند؛
۳. به راه‌های نو برای تشکیل گروه دسترسی داشته باشد؛
۴. مجالی برای تعریف و فعالیت‌های از پایین به بالا در نظر بگیرد؛
۵. کاربری‌اش آسان باشد؛
۶. قابلیت بازساماندهی مطالب را با اتصال به اینترنت در مناطق مختلف داشته باشد.

راهنمای جدید یادگیری

رابطه معلم - دانش‌آموز را در نظر بگیرید و ببینید فناوری‌های جدید چگونه روابط جدیدی تعریف کرده است. مثلاً کلاس معکوس را در نظر بگیرید که در آن منابع درسی و محتوای آموزشی قبل از کلاس در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و کلاس به تبادل نظر و گفت‌وگو و سایر جنبه‌های کاربردی مربوط به درس اختصاص پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، فناوری شکل‌های جدیدی از رابطه برای رابطه معلم - دانش‌آموز در شبکه اجتماعی تعریف می‌کند. یادگیری بر اساس پروژه، یادگیری چالشی، یادگیری حل مسئله، یادگیری به‌وسیله انجام کار و بازی‌سازی به انواع جدیدی از رابطه بین معلم و دانش‌آموز در فضای جدید فناوری اشاره دارد.

برای بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در حوزه آموزش و یادگیری، با محمداصادق افراسیابی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر فضای مجازی به گفت‌وگو نشستیم!

■ در مورد «شبکه‌های اجتماعی»
نظرات مختلفی وجود دارد از
خوشبینانه تا بدبینانه بالاخره از دید
شما چگونه می‌توان درباره آن‌ها
قضاوت کرد؟

□ شبکه‌های اجتماعی ابزارند و ابزار می‌تواند مفید باشد یا مضر. بنابراین، نگاه پیشینی مبتنی بر خوش‌بینی یا بدبینی باید به نگاه واقع‌بینانه در



نحوه استفاده از این ابزار در جامعه ما تغییر کند. کاربرد این ابزارها در آموزش و پرورش کشورهای مختلف نیز می‌تواند متفاوت باشد. نسخه تجویز شده‌ای برای همه نظام‌های آموزش و پرورش نداریم که استفاده از این ابزارها قطعاً موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد.

■ شبکه اجتماعی واقعاً چیست؟

گروه‌های ایجاد شده از طریق ارتباطات افراد و گروه‌ها را شبکه اجتماعی می‌نامیم. در فضای مجازی سایت‌ها یا نرم‌افزارهایی وجود دارد که افراد و گروه‌ها از طریق آن‌ها با هم در تماس‌اند و محتواهای خود اعم از دانش، اطلاعات، اخبار و حتی احساسات را به اشتراک می‌گذارند.

■ در چه شرایطی شبکه‌های اجتماعی می‌توانند مفید باشند؟

معمولاً فناوری‌ها پیش از نهادینه شدن فرهنگ استفاده از آن‌ها وارد کشور ما می‌شوند. اگر فرهنگ استفاده از این شبکه‌ها آموزش داده شود، می‌توانند مفید باشند؛ مثلاً به‌عنوان مکمل کلاس درس از آن‌ها استفاده شود تا اخبار مربوط به آن درس را منتشر کند، مباحث دانش‌آموزی و برداشت‌های آنان به اشتراک گذاشته شود و یا بازخوردهای دانش‌آموزان شنیده شود. البته این‌طور نیست که استفاده از شبکه‌های اجتماعی حلال همه مشکلات آموزش و پرورش باشد. اصلاح ساختارها، افزایش قدرت حل مسئله و تقویت تفکر خلاق و تفکر انتقادی و امثال آن‌ها هر کدام می‌تواند در جایگاه خود قرار گیرد.

■ برای فرهنگ‌سازی در مورد شبکه‌های اجتماعی چه باید کرد؟

خوشبختانه حرکت مثبتی در آموزش و پرورش در این زمینه صورت گرفت و آن تدوین کتاب برای درس «تفکر و سواد رسانه‌ای» برای کلاس دهم بود. ما باید از رها و یله بودن شرایط استفاده از شبکه‌های اجتماعی به نقطه‌ای برسیم که با آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی سطح آگاهی‌های دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها را در زمینه سواد رسانه‌ای بالا ببریم. نظام آموزشی ما بر سر یک دوراهی مهم است؛ یا با استفاده از فضای مجازی و فرهنگ‌سازی برای دانش‌آموزان و خانواده او از این ابزار برای تولید علم و مدیریت دانش می‌تواند استفاده کند و یا در این زمینه وارد نمی‌شود و بی‌توجه به استفاده خانواده‌ها و دانش‌آموزان آن‌ها را در این فضا رها می‌کند. ولنگاری فرهنگی که از طرف مقام معظم رهبری مطرح شده ناظر به همین مسیر دوم است.

ما در کشور نفوذ اینترنت به جامعه را پذیرفته‌ایم و آموخته‌ایم که با روش‌های سلیبی نمی‌توان جلوی گسترش استفاده از آن را گرفت. بنابراین، به جای ائتلاف هزینه و زمان و گفت‌وگوی

مجدد در روش‌های سلیبی، باید از طریق نهاد آموزش و پرورش دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها را برای استفاده مفید از این ابزارها آگاه کرد.

■ معلمان در این میان چه نقشی دارند؟

شبکه‌های اجتماعی ابزار مناسبی برای ظرفیت‌سازی هستند. معلمان می‌توانند تجارب خود را در این شبکه‌ها به اشتراک بگذارند و از معلمان بخواهند تجربه‌های خود را در زمینه موضوع هر شماره مطرح کنند. بدین ترتیب، در زمان محدودی می‌تواند به حجم زیادی از اطلاعات که از جنس دانش کاربردی است دسترسی یابند، ارزش‌افزوده و ثروت ایجاد کنند یا به حل مسائل و چالش‌های فعلی جامعه یا مدارس کمک نمایند.

جای خالی شبکه‌های تخصصی معلمان اکنون محسوس است. اصولاً اکثر شبکه‌های اجتماعی ما شبکه‌های عمومی هستند و شبکه‌های تخصصی، که محل بحث و گفت‌وگو، به اشتراک گذاشتن و تولید دانشی تخصصی هستند، بسیار کم داریم. اگر معلمان در این شبکه‌های اختصاصی حضور داشته باشند، ثمرات این حضور در ارتقای ادبیات و روابط موجود در شبکه‌های اجتماعی عمومی هم آشکار می‌شود.

■ آیا فرهنگ‌سازی صرفاً معطوف

به ملاحظات مصرف محتوای فرهنگی است؟

خیر. اکنون در هر دو حوزه مصرف و تولید محتوا حالت انفعال داریم و باید موازنه را به نفع خودمان تغییر دهیم. علاوه بر اینکه باید نسبت به مصرف محتوا با نگاه نقادانه و توأم با بصیرت قدرت نه گفتن و نپذیرفتن را پیدا کنیم، در تولید هم می‌توانیم به کمک دانش‌آموزان و خانواده‌ها به تولید محتوای مناسب برای کودکان - که تقویت‌کننده سبک زندگی اسلامی ایرانی خودمان باشد - بپردازیم.

بعضی مدارس به این تجربه دست یافته‌اند و تولیدات ساده و در عین حال جذابی داشته‌اند.

به هر حال، «فرهنگ‌سازی» برای حضور در شبکه‌های اجتماعی جز از طریق مشارکت گسترده دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان و همراهی آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست. کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» و چاپ نشریاتی از قبیل مدرسه فردا گام‌های نخست در این راه است.

جای خالی شبکه‌های تخصصی معلمان اکنون محسوس است. اصولاً اکثر شبکه‌های اجتماعی ما شبکه‌های عمومی هستند و شبکه‌های تخصصی، که محل بحث و گفت‌وگو، به اشتراک گذاشتن و تولید دانشی تخصصی هستند، بسیار کم داریم. اگر معلمان در این شبکه‌های اختصاصی حضور داشته باشند، ثمرات این حضور در ارتقای ادبیات و روابط موجود در شبکه‌های اجتماعی عمومی هم آشکار می‌شود